



### سرمقاله

در چهل و یکمین سالگرد انقلاب

## بازنگری مسالمت آمیز در ساختار قدرت، ضرورت امروز ایران

انگیز در پائیز ۷۷، تهاجم به دانشگاه در سال ۷۸، سرکوب شدید معترضین به انتخابات در سال ۸۸ و کشتن معترضین در خیابان ها و تراژدی زندان کهریزک، متعاقب آن، سرکوب خشونت بار خیزش اعتراضی مردم در بیش از یکصد شهر کشور در دیماه ۹۶ با ده ها کشته و هزاران زندانی، فساد های مالی و اختلاس های گسترده با ارقام نجومی هزاران میلیاردی که اقتصاد کشور را از توان انداخته، سوء سیاست خارجی که موجب درگیر شدن ایران در کشورهای همسایه و به هدر دادن ارقام عمده ای از منابع مالی کشور و رویارویی با جامعه جهانی گردیده و کشور ما را منزوی و در حالت ورود به وضعیتی مشابه کره شمالی قرار داده است.

در نتیجه این عمل کرد های نادرست، امروز دیگر حکومت جمهوری اسلامی در شرایطی قرار گرفته که امکان ادامه دادن به این روش ها را ندارد و آینده ی چندانی برای خود باقی نگذاشته است. جامعه ایران در تب و تاب می سوزد و کشور همچون انباری از باروت در آستانه ی انفجار است.

جبهه ملی ایران در حدود یک سال و نیم قبل در تاریخ پنجم مرداد ماه ۹۷، به هیئت حاکمه جمهوری اسلامی پیشنهاد کرد که برای رهانیدن کشور از این بحران های فزاینده باید سه گام برداشته شود. اول اینکه زندانیان سیاسی و عقیدتی در سراسر کشور باید آزاد شوند. دوم اینکه آزادی های اولیه و اساسی ملت ایران مانند آزادی قلم و بیان، آزادی احزاب و اجتماعات و آزادی انتخابات باید محترم شمرده شوند و سوم اینکه باید یک انتخابات سالم تحت نظارت یک شورای مردمی و مورد قبول برای همگان جهت برپایی یک مجلس موسسان و بازنگری در ساختار قدرت صورت پذیرد.

جبهه ملی ایران به عنوان خانه سیاسی دکتر مصدق و به مثابه سازمان مادر برای بسیاری از احزاب و گروه های ملی، اکنون و در این شرایط نا هنجار کشور اعلام میدارد که آماده است تا به کمک همه گروه های سیاسی و جوامع مدنی مانند جوامع کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، بازنشستگان، وکلای دادگستری و مدافعان حقوق بشر، دانشگاهیان، بازاریان و اصناف، مدیریت این تغییر و تحولات مسالمت آمیز و ایران ساز را به عهده بگیرد و به سامان برساند.

اصرار حکومت بر ادامه دادن به روال شکست خورده گذشته و حفظ و تداوم وضع موجود، پی آمد های ناگوار و فاجعه باری را برای میهنمان در بر خواهد داشت.

در سپیده دم چهارشنبه هجدهم دیماه ۹۸، یک یا دو موشک پدافند هوایی سپاه پاسداران، هواپیمای مسافربری اکرایینی با ۱۷۶ مسافر را که ۱۴۸ تن از آنان ایرانی و اکثرا از نخبگان بودند به آتش کشید و سرنگون کرد. این رویداد نه یک خطای انسانی که یک فاجعه بشری بود. این حادثه دردناک جامعه جهانی را متاثر و ملت ایران را عذاب نمود. تاسف و تأثر وقتی به مراتب افزونی یافت که حکومت تا سه روز، علت بروز حادثه را نقص فنی در هواپیما اعلام می کرد و به مردم دروغ میگفت، و پس از گذشت چند روز در اثر فشاری و پیگیری سایر کشورها، ناگزیر به اعتراف به واقعیت و قبول مسئولیت حادثه گردید.

در نیمه شب ۲۴ آبانماه ۹۸، حکومت جمهوری اسلامی به طور ناگهانی وبی مقدمه وبدون در جریان قراردادن مردم وبدون تصویب شدن در مجلس، افزایش قیمت بنزین را تا حد سه برابر قیمت قبلی اعلام کرد. این نحو نامعقول اعلام افزایش بهای بنزین، اعتراض گسترده ملت ایران که افزایش تمام قیمت ها را در پیش روی خود می دید، در دوپست شهر بزرگ و کوچک کشور را به دنبال داشت. اعتراضات مردم به شدت سرکوب و به خون کشیده شد و صدها نفر کشته و هزاران نفر مجروح و هزاران نفر زندانی شدند. اشتباهات بزرگ و خطا های حیرت انگیز حکومت جمهوری اسلامی به همین دو مورد اخیر ختم نمیشود وطنی این چهل و یک سال، فهرست بلند بالایی را تشکیل می دهد. اولین و مهمترین خطای قدرت مداران پس از انقلاب، زیر پا نهادن اهداف ملت ایران از انقلاب بود که آزادی و استقلال و عدالت در راس آن ها قرار داشت. آنان از شعار «نه شرقی، نه غربی» که سیاست خارجی مستقل و جدا از بلوک های قدرت را مورد تاکید داشت، نیز عدول کردند. ده ماه پس از پیروزی انقلاب، اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری کارکنان آن، موجب آغاز تخاصم و دشمنی بی دلیل جمهوری اسلامی با دولت آمریکا گردید که تا کنون هم ادامه یافته و خسارات غیر قابل شماری را به کشور ما تحمیل کرده است. وقوع جنگ ۸ ساله ی عراق با ایران با آن همه زبان های مادی و از دست رفتن صد ها هزار جوان ایرانی از تبعات آن گروگانگیری بود. تاخیر در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد برای پایان دادن به جنگ، سبب اضافه شدن به مدت جنگ تا شش سال بعد از آن و وقوع اغلب خسارت های مالی و جانی طی این شش بعدی گردید. اعدام های گسترده غیر قانونی در تابستان ۶۷، قتل های زنجیره ای نفرت

## اطلاعیه روابط عمومی جبهه ملی ایران

بدین وسیله به آگاهی هموطنان عزیز و رسانه های همگانی و احزاب و سازمان های سیاسی میرساند که مطالب اعلام شده توسط برخی افراد انشعابی تحت نام «جبهه ملی ایران سامان ششم» هیچ ارتباطی با سازمان جبهه ملی ایران ندارد و جبهه ملی ایران در قبال اظهارات و ارتباطات این افراد هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت. مواضع جبهه ملی ایران تنها از طریق شورای مرکزی و هیئت رهبری اجرائی و سخنگوی این سازمان ابراز می گردد. افزون بر این خاطر نشان می نمایم که این «سامان ششم» جز یک بدیل سازی آشکار و تامل برانگیز ویک سوء استفاده علنی و نا موجه از نام پر افتخار جبهه ملی ایران چیز دیگری نیست.

سی ام دیماه ۱۳۹۸

تهران - روابط عمومی جبهه ملی ایران

## ریشه‌های نظری و تاریخی باور جبهه ملی ایران درباره فلسفه انتخابات

تاریخی بود. با این که رئیس دولت بود، اما مقهور قدرت نشد، خود یکی از منتقدان جدی قدرت غیر قانونی بود. او علی‌رغم قانون‌مداری، قانون اساسی را مقدس و غیر قابل تغییر نمی‌شمرد؛ بلکه حقوق اساسی ملت، اعم از آزادی و استقلال، حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی را مرجع می‌دانست. قانون اساسی را مطابق با همان حقوق اساسی واری می‌کرد. همواره می‌گفت: «قانون اساسی برای ملت باید باشد، نه ملت برای قانون». بخشی از دلایل تداوم بازتولید استبداد در دوره پس از مشروطه را در شبه‌نظامی و نارسایی قانون اساسی مشروطه می‌دانست. کمالین که برای اصلاح آن لویحی را تدوین و تنظیم کرد.

در فصل مربوط به مسئولیت دولت و اختیارات پادشاه در قانون اساسی، ضمن اصلاح و تدوین لایحه، هیأت هشت نفره‌ای مرکب از نمایندگان مجلس شورای ملی با توافق پادشاه گردهم آورد. این که شاه خود پذیرای این موضوع شد، نشان از تمکین و عقب‌نشینی هیأت حاکمه نسبت به اراده ملت بود. اما این که نخست پذیرای این موضوع شد، اما چندی بعد هم پیمان با طرح کودتا گردید، نکته‌ای نبود که دکتر مصدق از آن غافل باشد، در همان دادگاه نظامی با اشاره به رضایت شاه مبنی بر اصلاح مواد و مواردی، این فصل از قانون اساسی گفت: «بله سعی داشتم مواردی از قانون اساسی که مربوط به فصل اختیارات پادشاه بود، اصلاح کنم. اتفاقاً مورد تأیید شاه هم واقع شد، در مجلس نیز هیأتی پدید آمد، اما چون قرار بر این نیست قانون اساسی مشروطیت که شاه را مسلوب‌الاختیار می‌کند، در این مورد اصلاح و تبیین شود، بنابراین این اتمام برایشان سنگین بود و اقدام به سرنگونی دولت کردند».

آن چه قابل توجه است، دولت برآمده از ملت هم سعی می‌کند، نه تنها قانون اساسی مشروطیت که مبتنی بر اصل حق حاکمیت ملی است، اجرا شود، بلکه موانع حقوقی پیش‌ساری تحقق آن را نیز از میان بردارد.

۴- بنابراین عزم سازمان‌های **جبهه ملی ایران** برای برگزاری انتخابات سالم و آزاد مجلس شانزدهم، صرفاً برگزاری یک انتخابات صوری نبود، بلکه تحکیم و تحقق ارکان دموکراسی و حاکمیت ملی و اهداف کلانی بود که مهم‌ترین آن ابطال قرارداد گس - گلشایبان، تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت، مقابله با استعمار و استیلاي خارجی و استمرار «استقلال ملی» از یک سو و از سوی دیگر تصویب لویح مربوط به انتخابات آزاد، آزادی نشریات و ... بود (آزادی‌خواهی).

بنا بر این شرکت در انتخابات صوری صرفاً تمرین دموکراسی نیست، بلکه تقویت جامعه مدنی، روشنگری، گردش آزاد اطلاعات از طریق رسانه‌ها و ... می‌تواند موجب ارتقای سطح تربیت دموکراتیک جامعه شود. به‌عنوان نمونه در دوره نهضت ملی ایران، هم‌زمان با انتخابات مجلس شانزدهم، سازمان‌هایی شکل گرفتند که همین وظیفه را داشتند، مانند سازمان نظارت بر آزادی انتخابات، سازمان نگاهبانان آزادی، جمعیت آزادی مردم ایران. همچنین دو صنف روزنامه‌نگاران و حقوق‌دانان، دور رکن مهم ارگانیک روشنگرانه جبهه ملی ایران؛ در به‌ثمر رسیدن اهداف نهضت ملی بودند.

بنابراین وجدان عمومی و وجدان علمی جامعه از طریق نهادهای مدنی به‌خوبی پویایی داشت. نه‌اینکه این وجدان عمومی و

محصول خیزش و فشارهای اجتماعی بود. کمالینکه بنا به‌گزارش سفارت‌خانه‌های انگلیس و فرانسه درباره شهرپور ۱۳۲۰، اگر عزم دولت انگلستان برای خلع رضاشاه نبود، ملت خود حداکثر تا دو سال دیگر به نوعی **انقلاب** دست می‌زد. کمالین که زمان کناره‌گیری و تبعید رضاشاه، هیچ طیف و طبقه‌ای در مقام مقابله با عزم دولت انگلستان برنیاورد، تا جایی که بیشتر احاد ملت شادمانی و پایکوبی کردند، حتی نزدیکان خود رضاشاه، مانند فروغی، دشتی و دیگران همونا با ملت بودند. اگر رضاشاه دارای پشتیبانی حتی بخش کوچکی از ملت بود، نه از سلطنت خلع و نه طبعاً تبعید می‌شد. همین زمینه اجتماعی و استقلال ملی موجب عقب‌نشینی هیأت حاکمه و سدی در مقابل ادامه اشغال ایران زمین توسط متفقین و در نهایت موجبات پیدایی جنبش نهضت ملی شدن صنعت نفت و نهضت ملی ایران به‌رهبری دکتر محمد مصدق، را فراهم کرد.

در آن بستر سیاسی و اجتماعی زمینه‌های بُنیاد و تعمیق دولت ملی برخاسته از اراده ملت و پیوند دولت - ملت وجود داشت. نکته بارز درباره دولت ملی و پیوند دولت - ملت؛ این که ملت نه تنها پدیدار کننده دولت ملی که همواره به‌پای دارنده آن بود. نه تنها دولت ملی دکتر مصدق تداوم آرمان‌های نهضت ملی ایران که تبلور آرمان و اراده ملت بود. از سویی دیگر تداوم ۲۸ ماهه دولت به‌رغم توطئه‌ها و کودتاهای خرنده ابرقدرت‌ها، برآمده از مقاومت و ملوومت ملت بود. با این تفاسیر دکترین علمی ملت - دولت، در دوران نهضت ملی و دولت ملی دکتر مصدق، تعاریف دیگری نیز پیدا می‌کند. اگر چنین زمینه و ریشه‌های قوی حاکمیت ملی تکوین، تأسیس و حتی تثبیت نمی‌شد، کودتایی نظامی با این گستره توسط سه ابر قدرت رقم نمی‌خورد. کودتایی که مصداق بارز حمله و تجاوز بی‌رحمانه بود.

۳- **جبهه ملی ایران** در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی جنبش و نهضت ملی ایران پدید آمد. در واقع نقش سازمندی تحولات و نهادهای اجتماعی را در آن مقطع بازی می‌کرد.

در واقع حق حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت به‌عنوان حقی از حقوق اساسی تکوین پیدا کرده بود و انتخابات مجلس شورای ملی نیز در این بستر برگزار می‌شد. چه‌بسا اگر در همان انتخابات هم با نفوذ هیأت حاکمه و دخالت ارتش، انتخابات برگزار می‌شد و وکلایی وارد مجلس می‌شدند، مراقبت و مقاومت احاد مردم مانع از رسیدن اهداف قدرت‌ها می‌شد. کمالین که در میانه راه دولت ملی دکتر مصدق، هم‌زمان با برگزاری انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی در اَبان، آذر و دی ۱۳۳۰، دکتر مصدق با شنیدن گزارش تخلف و تقلبات گسترده، دستور به توقف ادامه انتخابات را داد. از قضا کودتاگران و دسیسه‌چینان از طریق همین نمایندگان، بارها قصد استیضاح و سرنگونی دولت ملی را داشتند. نمونه بارز آن رأی اعتماد همان مجلس به‌قیام در ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱؛ اما نکته قابل توجه همان وجدان بیدار جامعه بود که مانع از تحقق اهداف کودتاچیان شد. قیام ملی سی تیر نقطه اوج تبلور اراده ملی و تجلی حاکمیت ملی و پیوند عمیق دولت - ملت بود. این مثال بارز باز شاهدی برای نشان دادن وجود ریشه‌های عمیق اجتماعی «حاکمیت ملی» در دوره نهضت ملی است.

در همین زمینه باید گفت دکتر مصدق هم کاملاً هوشیار و با درایت عمل می‌کرد. او به‌خوبی متوجه استبدادزدگی و استبداد

چرا جبهه ملی ایران انتخابات و صندوق رأی را بدون تحقق پیش شرط‌های لازم برای برگزاری یک انتخابات سالم و واقعی مثل آزادی احزاب، آزادی مطبوعات و آزادی اجتماعات حق نمی‌داند، و انتخابات بدون این پیش شرط‌ها را جز فریب ملت چیز دیگری نمی‌داند و چرا حق حاکمیت ملی را حقی از حقوق اساسی می‌داند؟

چرا جبهه ملی ایران با همه‌پرسی مخالف و موافق انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس موسسان قانون اساسی است؟

۱- **جبهه ملی ایران** از بدو پیدایش تاکنون، بر مبنای اساسنامه و همچنین مناسبات و مقتضیات زمانه، راهبردی اتخاذ کرده که همواره در این هفتاد سال، همچنان جایگاه و معنای خود را دارد: «برگزاری انتخابات آزاد، مبتنی بر وجود حقوق و آزادی‌های اساسی ملت».

اساساً یکی از عوامل مهم شکل‌گیری **جبهه ملی ایران**، تقلب و تخلفات گسترده هیأت حاکمه در برگزاری انتخابات مجلسین در سال ۱۳۲۸، یعنی انتخابات نخستین دوره مجلس سنا، و شانزدهمین دوره مجلس شورای ملی بود. به‌همین منظور سازمانی متشکل از احزاب، اصناف، سازمان‌ها و نیروهای سیاسی، در اول اَبان ماه ۱۳۲۸ به‌وجود آمد که از اهداف مهم آن در اساسنامه آمده: «هدف **جبهه ملی ایران** ایجاد حکومت ملی، به‌وسیله تأمین آزادی انتخابات و آزادی افکار است». در واقع وجود حقوق و آزادی‌های اساسی، مانند آزادی بیان افکار و باورهای مختلف، آزادی احزاب، آزادی رسانه، آزادی اجتماعات و آزادی داوطلب شدن **شروط اساسی**، سلامت، عدالت و آزادی انتخابات است.

در بستری که حق حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت و آزادی‌های اساسی وجود نداشته باشد، انتخابات و صندوق رأی، معنا و مفهومی ندارد. بلکه در جوامعی که حق حاکمیت ملی وجود ندارد و استبداد و دیکتاتوری حاکم است، آن صندوق رأی و انتخابات تنها وسیله برای تثبیت نظام غیر ملی وجدان مردم است. در چنان شرایطی هیچ‌گاه از صندوق رأی و برگزاری انتخابات، دموکراسی، حاکمیت ملی، آزادی، توسعه و پیشرفت حاصل نمی‌شود.

این که می‌گویند صندوق رأی و برگزاری انتخابات، به‌تنهایی، تمرینی برای دموکراسی و یا مقدمه‌ای برای رسیدن به دموکراسی است، سخن درستی نمی‌باشد. زیرا فرایند تحقق و تحکیم مبانی دموکراسی و همچنین تربیت دموکراتیک، مرحله‌ای دارد که صندوق رأی و انتخابات، تنها به‌عنوان یک مرحله از آن محسوب می‌شود.

۲- گفتار حاضر ناقص شرایط شکل‌گیری جبهه ملی ایران نیست. زیرا شرایط حاکم در دهه ۲۰ اساساً قابل مقایسه با شرایط پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیست. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تمامی مبادی حاکمیت ملی را مسدود و منقطع ساخت، در حالی که شرایط حاکم بر دهه ۲۰ تمام فراز و فرودها، امکان حاکمیت ملی را متصور می‌کرد. ضمن این که دولت ملی و دموکرات دکتر مصدق محصول شرایط دهه ۲۰ است. شکل‌گیری شرایط حاکم بر دهه ۲۰ نیز، نه محصول باورهای هیأت حاکمه و نه محصول جنگ ابرقدرت‌ها، بلکه

علمی در ادوار بعدی ضعیف بود. بلکه منظور این است که جامعه تنها به پیروزی اهداف نَهضت بسنده نکرد، بلکه نه تنها در به ثمر رسیدن آن پویا و کوشا بود که همواره از آن اهداف مراقبت و مداومت می کرد. این تجربه در هیچ یک از جنبش ها ، نَهضت ها و انقلاب های صدوپنجاه سال اخیر وجود نداشت؛ به همین خاطر تمامی آنها با شکست روبرو شدند. چرا که تنها در صدد برپایی و بنیاد اهداف بودند، و در ادامه از اهداف آن نَهضت و جنبش و انقلاب، باز می ایستادند، همین خلأ موجب برآمدن اقتدارگرایان و انحصارطلبان می شد.

۵ - در مورد آخرین تجربه، یعنی انقلاب ضد سلطنتی ۱۳۵۷، به رغم گستردگی و عمومیت انقلاب ایران، وجود وجدان های آگاه آحاد ملت، اما پس از استقرار انقلاب، ملت به دلیل انحرافات که نسبت به اهداف انقلاب شروع شد، پشتیبانی لازم را نکرد. همین عدم مداومت و مراقبت، موجب خلأ و ضربه سنگینی از طریق اشغال سفارت آمریکا و بحران ۴۴۴ روزه گروگان گیری شد. تمامی آرمان های ملت یعنی استقلال و آزادی، جمهوریت و حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی که در پیش نویس قانون اساسی تعبیه شده بود، توسط مجلس خبرگان به طور غیر قانونی کنار نهاده شد و یک نوع حکومت فردی به ظاهر قانونی مورد تصویب قرار گرفت و متأسفانه چندی بعد از بحران آفرینی با ماجرای گروگانگیری (یک ماه بعد از اشغال سفارت آمریکا ۱۳ آبان - ۱۲ آذر ۱۳۵۸) همه پرسی در جوی نابرابر، ناسالم و غیر آزاد برگزار شد. احزاب و سازمان های ملی به ویژه **جبهه ملی ایران** طی چندین بیانیه نسبت به فرایند برگزاری غیر قانونی مجلس خبرگان و مصوبات غیر حقوقی آن رسماً اعتراض کرد. نسبت به اشغال سفارت آمریکا و بحران گروگان گیری مخالفت کرده و حتی در بیانیه های ضمن مخالفت با مصوبات مجلس خبرگان، برگزاری همه پرسی قانون اساسی را در جوسازی و بحران آفرینی اخیر (یعنی اشغال سفارت آمریکا) ناسالم، نابرابر و غیر آزاد توصیف و از هیأت حاکمه درخواست کرد که با توجه به شرایط و جو حاکم، همه پرسی با چنین تجلی برگزار نشود. به رغم غیر قانونی بودن آن همه پرسی، اما احزاب و سازمان و

نیروهای سیاسی و مدنی، به ویژه احزاب و نیروهای ملی که نسبت به شرایط حاکم آگاهی بیشتری داشتند، باید از نظر **جبهه ملی ایران** در آن مقطع پشتیبانی می کردند. اشتباهات سازمان ها و نیروهای سیاسی تنها به این همه پرسی خلاصه نمی شود. اکنون وقت آن رسیده که بیشترینه سازمان ها و احزاب حتی **جبهه ملی ایران** نسبت به واکاوی و نقادی نخستین همه پرسی یعنی رفراندوم جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸، توجه نمایند.

**جبهه ملی ایران** بر این نظر است که انقلاب ۱۳۵۷ در ادامه نَهضت های پیشین، به ویژه در ادامه نَهضت ملی ایران و در پاسخ به کودتای ۲۸ مرداد و استبداد برآمده از آن کودتا بود. اما به رغم راستی و درستی انقلاب، اهداف آن انقلاب توسط بیشتر طبقات، اصناف، سازمان و نیروهای سیاسی و اجتماعی مداومت، مقاومت و مراقبت نشد. برخلاف اصل کثرت گرایی نظام جمهوری و فلسفه آزادی، همه پرسی ۱۲ فروردین ۵۷ نوعی تکلیف، تحمیل و دیکته سازی نظامی خاص محسوب می شد. اکنون پس از گذشت چهل سال برخی از جریان ها از هواخواهان سلطنت تا جریان های درون حاکمیت، همان الگوی همه پرسی را سرمشق خود قرار دادند. در حالی که **جبهه ملی ایران** با نقد جدی آن نوع همه پرسی، باوری به برگزاری همه پرسی ندارد. زیرا در این نوع همه پرسی ها و با شرایط حاکم، پیامد همه پرسی ها در راستای تحقق دموکراسی نخواهد بود، بلکه نتیجه آن به نفع جریانی تمام خواهد شد که فرادست را خواهد داشت. ضمن این که برگزاری هر نوع انتخابات غیر سالم و غیر دموکراتیک، همواره به سود تمامیت خواهان خواهد بود. بنابراین هر نوع همه پرسی و انتخاباتی با این شرایط (ناسالم، نابرابر و غیر آزاد)، نه تنها گامی به جلو نیست، که به تثبیت شرایط حاکم خواهد انجامید.

ضمن این که شعار انتخابات آزاد صرف هم گزاره ای نا کافی است. حتی اگر تمامی سازمان ها و احزاب سیاسی برای شرکت در انتخابات آزادی لازم داشته باشند، در فضایی که «استقلال قوا» وجود نداشته باشد و ساختارها دارای کاستی باشند، صحبت

از انتخابات آزاد بی معنا است. زیرا ارکان اصلی یعنی حقوق اساسی، آزادی های اساسی و حق حاکمیت ملی از اصولی انکارناپذیری است که هر انتخاباتی باید در بستر آن رقم بخورد. **جبهه ملی ایران** یک سازمان مسالمت گرا، قانون مدار و دموکرات، مخالف هر نوع دست اندازی و مداخله جویی بیگانه و باورمند به اراده ملی است. با این که انقلاب را امری اجتنابناپذیر و حقی از حقوق انسان می داند، اما بر این باور است که همان آرمان های انقلاب ۴۰ سال پیش که در پیش نویس قانون اساسی تجلی یافته بود و متأسفانه توسط مجلس خبرگان به کنار گذاشته شد امری درست و راستین است. تنها باید موانع پیشروی تحقق اصل حاکمیت ملی و دموکراسی را مورد عیاری و بازنگری قرار داد. توصیه **جبهه ملی ایران** چنانکه در بیانیه ها و مصاحبه های رسمی اعلام شده، همان پیش نویس قانون اساسی با اندکی اصلاح و روزآمدی است. چون برگزاری مجلس خبرگان قانون اساسی را مطابق با بنیان های حقوق اساسی نمی دانسته و نمی داند، اکنون مجدداً برگزاری انتخابات سالم و آزاد مجلس مؤسسان قانون اساسی را پیشنهاد می کند که طی آن تمامی احزاب، سازمان های سیاسی و اجتماعی و اقشار مختلف مردم امکان ورود در آن مجلس و عرضه پیشنهادهای خود را داشته باشند.

بدیهی است که برگزاری هر نوع انتخابات آزاد، سالم و عادلانه، متضمن به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های اساسی ملت است. همان طور که در سرمقاله مهم شماره ۱۹۲ پیام **جبهه ملی ایران** (به تاریخ ۵ مرداد ۱۳۹۷)، با عنوان «پیشنهاد های **جبهه ملی ایران** برای برون رفت از بحران ها» بیان شد؛ آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و پرهیز حکومت از هر روش خشونت گرایانه، تحقق آزادی های اساسی ملت و در نهایت برگزاری انتخابات آزاد و بدون دخالت نهادهای حکومتی و تحت نظارت هیأتی قابل قبول برای همگان، جهت برپایی یک مجلس مؤسسان واقعی برای اصلاح و با تدوین قانون اساسی، سه راهکار برای خروج کشور از بحران ها است که **جبهه ملی ایران**، همچنان روی آن پای می فشارد.

## به یزدان که گر ما خرد داشتیم

یک اشتباه تاریخی و یک تصمیم گیری ناجا و خطا، ملتی را نابود می کند. تصمیم اشتباه هتلر در حمله به شوروی، بزرگ ترین فاجعه را برای ملت آلمان به وجود آورد. اما اراده آهنین ملت این کشور و درایت و خردورزی رهبران آلمان غربی پس از شکست این کشور، موجب نجات کشتی طوفان زده آن شد. اشتباه یا جنایت خائنه ناصرالدین شاه در کشتن امیر کبیر، ملت ایران را در رسیدن به دروازه های تمدن نوین جهانی باز داشت. اگر محمدرضا شاه، قانون اساسی مشروطیت را پایمال نمی کرد و قبول می کرد که طبق قانون اساسی، سلطنت کند نه حکومت، و می پذیرفت که دولت ملی و مستقل و وطن خواه مصدق به عنوان رئیس قوه مجریه کشور را اداره کند، و بر علیه او با قدرت های بیگانه هم پیمان و همراه نمی شد، شاید این کشور به سوی یک کشور دموکرات و پیشرفته نظیر ژاپن گام بر می داشت.

اکنون نیز رهبران کشور باید راه خرد ورزی را در پیش گیرند. هیچ کشور دموکراتی، معترضین خود را به گلوله نمی بندد. چون سرکوب تظاهر کنندگان مسالمت آمیز، دفتر دموکراسی در یک جامعه را برای همیشه می بندد. و راه گریز را برای

اشغال متفقین، یعنی آمریکا، انگلستان و فرانسه در آمد و بخش شرقی آن، موسوم به آلمان شرقی به تصرف شوروی سوسیالیستی در آمد. اما در آلمان غربی، رهبران آن کشور مانند آدنائر، به عنوان صدر اعظم، و کی زینگر، به عنوان وزیر اقتصاد و دیگر رهبران آلمان غربی با خردمندی و درایت، آلمان ویران را پس از ده سال، به یکی از قدرت های بزرگ اقتصادی تبدیل کردند. همین وضع را ما در ژاپن می بینیم. ژاپن انقلاب صنعتی خود را در زمان ناصرالدین شاه قاجار و صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر آغاز کرد. پس از حدود دو قرن، ژاپن به قدرت اقتصادی و صنعتی درجه اول جهان، پس از آمریکا در آمد ولی ما پس از این دو قرن چه کردیم؟ در حالیکه ژاپن در جنگ دوم جهانی مانند آلمان ویران گشته و صدمات فراوانی را متحمل شد. اما چگونه این ققنوس های تاریخ، از خاکستر آن سر برآورده و ناگهان با زایشی نو، به کمال علمی و اقتصادی و صنعتی و دموکراسی رسیده اند؟ از یک ژاپنی در تهران پرسیدند «شما چه زمانی انقلاب تکنولوژیک خود را آغاز کردید؟» پاسخ داد «آن زمانی که شما امیر کبیر خود را از میان بردید.»

فردوسی بزرگ در هزار سال پیش فرمود «به یزدان که گر ما خرد داشتیم / کجا این سرانجام بد داشتیم» خرد یکی از مهمترین ستون های حفظ حکومت در هر کشوری است. حکمران خردمند، به سرزمین و قلمرو حکومتی خود اعتلا می بخشد و برعکس حاکمان بی خرد، ملک خویش را به چاه ذلت می اندازند. خردمندی و درایت حکمرانی اولین عاملی است که هر ریسی در هر حوزه ای که به آن ریاست می کند، باید از آن برخوردار باشد و در یک کشور به طریق اولی، باید از درایت و عقل حکومت کردن بهره مند باشد. احترام به دموکراسی، حقوق ملت و منافع ملی، و داشتن صداقت و پاکدستی از نشانه های خرد حکمرانی است. ما این خرد را در میان برخی از فرمانروایان جهان می توانیم ببینیم. یکی از آن ها گاندی رهبر هند بود که ملت هندوستان را از زیر بار استعمار بریتانیا نجات داد و آن کشور را به استقلال رساند و امروز اگر هند پنجمین قدرت اقتصادی جهان است نتیجه کوشش های مهاتما گاندی و یاران او مانند جواهر لعل نهرو است. در سال ۱۹۴۵، آلمان نازی در جنگ شکست خورد و چیزی از آن باقی نماند. آلمان به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. بخش غربی آن به



اگر دولتی اعتماد ملی و پشتیبانی مردم خود را از دست بدهد، جز با استبداد و سرکوب آزادیخواهان نمیتواند حکومت کند، آن وقت نه بر مرده که بر زنده باید گریست. ما باید از حکومت سرهنگان یونان، حکومت ژنرال پینوشه و سرنوشت امثال عمرالبشیرها و سداس و قذافی ها درس بگیریم. حکومت باید با فساد مالی و اختلاس و زد و بند و رانت خواری مبارزه کرده و به معنای واقعی ضابطه را جانشین رابطه کند. هر کس در رشته خود سالم و پاکدست و متخصص و خادم و وطن دوست و قانونمند است باید در موقعیت اداره امور قرار گیرد. در غیر این صورت کشور را به مکانی تبدیل خواهند کرد که انسان های متخصص و کار آمد و سرمایه های سازنده از آن خواهند گریخت و ما همچنان بازنده ای این مسابقه جهانی خواهیم بود. بیایید تا دیر نشده عاقلانه فکر کنیم.

است. همه کشورها دارند می دوند تا به توسعه اقتصادی و صنعتی و اجتماعی برسند و فقر و بیکاری و جهالت و عقب ماندگی را از جامعه خود ریشه کن کنند. هشت کشور صنعتی عالم که به این اهداف رسیده اند، با تمام قوا سعی میکنند نه تنها تفوق اقتصادی و صنعتی خود را حفظ کنند، بلکه خواهان برتری جویی در امور نظامی هم هستند. اگر زمامداران کشور کوچکترین غفلتی در اداره کشور نمایند، بقیه کشورها با سرعت به خط پایان مسابقه خواهند رسید و ما باز با نگاه پر حسرت، باید نظاره گر پیشرفت آنان بوده و بر مشکلات خویش مویه کنیم. حکومت ما در این کارزار و رقابت هراس آور اقتصادی و علمی و صنعتی باید با خرد و درایت بر مردم حکومت کند. به دموکراسی و حقوق ملت احترام بگذارد، و به هیچ وجه در تظاهرات مسالمت آمیز دست به خشونت و سرکوب نزند. چون

آزادیخواهان و نخبگان باز می کند. تاریخ هرگز قتل عام چند هزار نفر از تظاهر کنندگان چینی در میدان « تیان نامن » و چند هزار مخالفین شیلی توسط حکومت ژنرال پینوشه را از یاد نمی برد. در فرانسه تظاهرات جلیقه زردها چندین ماه است که به طول انجامیده و به کرات مردم فرانسه برای احقاق حقوق خود دست به تظاهرات زده و می زنند، اما هیچ گزارشی از کشتن تظاهر کنندگان نرسیده و پلیس فقط تعدادی را بازداشت کرده، اما طولی نمی کشد که آنها را آزاد می کنند. هر چه کشور از اصول دموکراسی و حقوق مردم و فرهنگ خردمندانه حکمرانی دور باشد، با مخالفین خود سخت تر برخورد میکند و همین موجب شکاف عمیق و پرنشدنی میان مردم و حکومت خواهد شد. امروز پیشرفت های اقتصادی، صنعتی، علمی و سیاسی به شکل یک مسابقه ی دوی میدانی ملل در آمده

هدف صاعقه اش دورتر از صد فرسنگ

بر سر مرد و زن آمده از جنگ به تنگ

استاد ادیب برومند

موشک از سکوی پرتاب روان گشته چو برق

بتر از زلزله بس خانه فرو کوبد سخت

## در مورد انتخابات مجلس

اگرچه اعمال نفوذهایی نهادهای انتصابی داشتند نظیر بیرون گذاشتن یکی از شریف ترین و میهن دوست ترین منتخبان تهران، دکتر علیرضا رجایی، که شکایت معاونت سیاسی وقت از شورای نگهبان پس از دو دهه در این مورد هنوز به نتیجه نرسیده است، اما طیف اکثریت کسانی بودند که خود را باورمند به جامعه ی مدنی معرفی می کردند. یکی از طرح های اصلی که مطرح شد، عبارت بود از: افزایش اختیارات رئیس جمهوری و اصلاح قانون مطبوعات و با اکثریت آرا تصویب شد. اما سرنوشتش چه شد؟! کمیسیون ماده ی نود که سعید مرتضوی جلال مطبوعات و کهریزک را مقصر قتل زهرا کاظمی تشخیص داد، چه توفیقی یافت؟ مرتضوی ارتقا یافت و اگر فرزند یکی از وابستگان حکومت در کهریزک به شهادت نرسیده بود اکنون معلوم نبود در کدام پست حکومتی باشد. یا پیگیری جنایت های ۱۸ ام تیرماه به کجا رسید؟ پیگیری پرونده ی ۵۲۵ میلیاردی تخلف مالی در صدا و سیما توسط مجلس به چه نتیجه ای انجامید؟ در برابر رد صلاحیت های گسترده برای مجلس هفتم تحصن نمایندگان ششم چه سرانجامی یافت؟ اکنون پس از دو دهه با وجود آن تلاش ها که در درستی آن تردیدی نیست و به جای خود قابل تحسین است، اما چه نتیجه ای در دست داریم؟ پس صرف انتخابات توانسته منجر به تقویت نهاد مدنی و بسط مردمسالاری گردد، چه حداقلی از قدرت در گرو نهاد های نیمه انتخابی است.

را مورد توجه قرار دهیم. انقلاب تاریخ ساز مشروطه بر آن بود تا حاکمیت ملت و قانون را در ایران استقرار بخشد و نهضت ملی ایران نیاز استمرار و ارتقای بخش این خواست تاریخی ملت ایران بود. دریا که به دلایل مختلف تاریخی هنوز به این اهداف دست نیافته ایم، قانون اساسی موجود ضعف های ساختاری بنیادینی دارد، که امکان عملی نیل به این اهداف را پیشاپیش منتفی می سازد. چهار مورد کلیدی که همه بر آن وقوف داریم عبارتند از:

- ۱) نبود آزادی احزاب و مطبوعات. از این روی بسیاری از طیف های فکری امکان داشتن تشکیلات و فعالیت و عرضه دیدگاه هایشان را به ملت ایران ندارند.
- ۲) استظهار گروه های حاکم به ثروت کشور و قدرت نظامی و شبه نظامی و در اختیار داشتن رسانه هایی که باید ملی باشند اما بلندگوی یک جریان خاص در حکومتند.
- ۳) نبود قوه ی قضاییه ی مستقل که در شرایط فعلی ریاست آن با فردی است که در کارنامه ی خود کشتار جمعی مخالفان حکومت را بر خلاف احکام قضایی دارد.
- ۴) وجود نظارت استصوابی که حاکمان با سلیقه ی سیاسی و ایدئولوژیک خود عمل می کنند و ملت رشید ایران را مهجور عقلی و صغیر محسوب کرده، دایره ی انتخاب آحاد ملت را بدون نیاز به پاسخگویی به گونه ای حداکثری محدود می سازند.

دکتر محمد مصدق در تاریخ ۴ تیرماه ۱۳۲۹ طی سخنرانی خود در مجلس شورای ملی این جملات را بر زبان راند:

« اگر از طریق آزادی و دموکراسی نتوانیم کاری بکنیم، از طریق اختناق و زور و قلدری برای مردم ناراضی نمی توانیم کاری انجام دهیم. ما باید قانون انتخابات و مطبوعات و حکومت نظامی را که مخل آزادی و ترقی مملکت است، اصلاح کنیم. پس از آن قدمهای دیگری در ادارات و امور اقتصادی و تعدیل بودجه برداریم.

او [رزم آرا] می گفت حرفهایی که شما می زنید برای یک شب مردم شام شب نمی شود و من گفتم که حکومت زور و قلدری ممکن است که یک شب یا چند سال به مردم نانی بدهد ولی تا خود مردم نتوانند در امور اجتماعی دخالت کنند هیچوقت صاحب نان نمی شوند و باید همیشه سر بی شام زمین بگذارند.

اصلاح قانون انتخابات سبب می شود که نمایندگان بدانند انتخابشان در دوره بعد، منوط به رضایت ملت است. اصلاح قانون مطبوعات سبب می شود که جرایم، وزرای خائن و دزدان را معرفی کنند و قبل از محاکمه روزنامه را توقیف و مدیران را زندانی نکنند...خطر حکومت دیکتاتوری در درجه اول، متوجه مقام سلطنت است. ما با حکومت دیکتاتوری و هر حکومتی که بر خلاف افکار عمومی و آزادی تشکیل شود، مخالفیم.

من و تمام رفقایم به یکدیگر قول شرف داده ایم در این جلسه به ملت ایران به ملت ایران قول می دهیم که تا جان در بدن داریم و تا وداج و سباب ما [رگ گردن، شاهرگ] را قطع نکرده اند با هر حکومت انفرادی که می دانیم پس از آن حکومت انفرادی زنگ زده دیگری برقرار می شود، قویا مخالفت می کنیم.»

ملت بزرگ ایران! اکنون حاکمیت جمهوری اسلامی بر آن است تا در اسفند ماه انتخاباتی برای تعیین نمایندگانی جهت ورود به ساختمان بهارستان برگزار کند. در این راستا ضروری است نکاتی

البته بسیاری نکات دیگر هست و این موارد چهار مورد مهم مشکل ساز و کار انتخابات در ایران است. برخی گروه ها و شخصیت ها که در شرافت و میهن دوستی آنان تردیدی نیست بیان می کنند که شرکت در انتخابات در روندی آرام، فضای دموکراتیزه شدن کشور را می گشاید. در این راستا تنها یک پرسش از ده ها پرسش را مطرح می سازیم:

مجلس ششم که با حضور حداکثری ملت ایران تشکیل شد و

## هموطنان عزیز!

در تکثیر و توزیع این نشریه و انتشار آن  
در شبکه های اجتماعی ما را یاری دهید.

پیام  
تجمه ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

<http://jebhemeliiran.org>

E-mail: info@jebhemeliiran.org